

خبر

مجموعه «شعر ما» به دست نوجوانان می‌رسد

بخش فرهنگی – مجموعه ۱۰ جلدی «شعر ما» با هدف آشنایی نوجوانان با شاعران پیش‌کسوت به‌زودی از سوی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان وارد بازار کتاب می‌شود.

به گزارش ایلنا، فاطمه سالاروند (دبیر مجموعه ۱۰ جلدی «شعر ما») گفت: «پدیده مجموعه «شعر ما» در پاییز سال ۱۳۹۸ شکل گرفت و قرار شد منتخبی از شعرهای شاعران بزرگ‌سال و پیش‌کسوت برای نوجوانان منتشر شود.»

او افزود: «از همان ابتدا قرار بر چاپ ۱۰ گزیده مستقل از ۱۰ شاعر بود. برای انتخاب شاعران، با در نظر گرفتن گوناگونی سلیقه و علاقه‌های مخاطبان، علاوه بر تنوع قالب‌ها (کلاسیک، نیمایی، سپید و…) تنوع طیف‌ها، نگاه‌ها و سبک‌های مختلف شعری را در نظر داشتیم و به همین منظور نام‌های متنوعی در این مجموعه به چشم می‌خورد که در این میان می‌توان به شمس لنگرودی تا محمدحسین مهدوی (م. مویبد) و محمدعلی بهمنی و… اشاره کرد.»

دبیر مجموعه «شعر ما» در توضیح شیوه گردآوری این آثار گفت:

«برای انتخاب شعرها با بسیاری از دوستان شاعر گفت‌وگو کردیم و در مواردی هم فقط به خواندن کتاب‌های چاپ شده بسنده نکردیم و برای یافتن برخی شعرهای پراکنده، مجله‌های مختلف و صفحه‌های مجازی را نیز مورد بررسی قرار دادیم. همچنین برخی از این دوستان، لطف کردند و تعدادی شعرهای چاپ نشده را نیز در اختیار ما قرار دادند.»

این شاعر ادامه داد: «مهم‌ترین اصل در انتخاب شعرها، توجه به سن و سال و حس و حال مخاطب نوجوان بود. پس با در نظر داشتن نیازها و گرایش‌ها و درک و فهم متفاوت نوجوان امروز و در عین حال جلب توجه او به تماشای ابعاد دیگری از زندگی، کشف‌های جدید و تجربه‌های تازه و… به این انتخاب‌ها رسیدیم.»

وی ادامه داد: «از این ۱۰ مجموعه پنج دفتر در مرحله پایانی چاپ و چهار دفتر در مرحله صفحه‌آرایی است.»

بنا بر اعلام اداره‌کل نظارت بر انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان این مجموعه در نیمه‌ی اول سال ۱۳۹۹ منتشر خواهد شد.

●●●●●

حسن توفیق، امروز به خاک سپرده می‌شود

بخش فرهنگی – پیکر زنده‌یاد حسن توفیق، کاریکاتورست و مدیر مسئول نشریه «توفیق»، فردا در بهشت زهرا (س) به خاک سپرده می‌شود.

مراسم تشییع و خاکسپاری پیکر زنده‌یاد حسن توفیق، ساعت ۱۰ صبح امروز سه‌شنبه (۱۳ خرداد) در قطعه نام‌آوران بهشت زهرا (س) برگزار خواهد شد.

به دلیل جلوگیری از شیوع ویروس کرونا و درخواست خانواده، این مراسم به صورت خصوصی و با حضور دوستان و آشنایان این هنرمند فقید برگزار می‌شود.

حسن توفیق، کاریکاتورست و مدیرمسئول نشریه «توفیق» بعدازظهر روز یکشنبه (۱۱ خرداد) بر اثر ایست قلبی درگذشت. حسن توفیق (متولد ۱۱ اسفند ۱۳۰۴) از مدیران مسئول نشریه طنز «توفیق» و بزرگ‌ترین برادر از برداران توفیق بود که دوره سوم این مجله را منتشر کرد. او به مدت ۲۹ سال مدیریت نشریه «توفیق» را برعهده داشت.

●●●●●

در گذشت هنرمندی که جهان را بسته‌بندی کرد

بخش فرهنگی – کریستو ولادیمیروف جاواچف هنرمندی که با بسته بندی و پوشاندن آثار معماری و بناهای تاریخی جهان به شهرت جهانی رسید، دارفانی را وداع گفت. براساس بیانیه ای که در حساب رسمی توئیتر این هنرمند منتشر شد، **(CHRISTO VLADIMIROV JAVACHEFF)** کریستو ولادیمیروف جاواچف یکشنبه ۳۱ مه در خانه‌اش در نیویورک درگذشت.

این هنرمند آفریقایی بلغارستانی الاصل که خود را هنرمندی کاملا غیرمنطقی می‌خواند با بسته‌بندی و پوشاندن آثار معماری و بناهای تاریخی که به همراه همسر فقیدش ژان کلود خلق کردند به مدت ۵ دهه به شهرت جهانی رسیدند. ژان کلود همسر این هنرمند در سال ۲۰۰۹ در پی آنوریسم مغزی دار فانی را وداع گفت.

این زوج به خاطر پوشاندن بناهای معروف در پاریس مانند پونت نوف در سال ۱۹۸۵ و ریشتاگ در برلین در سال ۱۹۹۶ شناخته شدند.

کریستو که زمانی ساختمان پارلمان آلمان را در یک پارچه نقره‌ای پیچیده بود، آخرین اثر خود در دوران حیاتش چیدمان اسکله‌های شانوار نام دار، یک مسیر پیاده‌روی سه کیلومتری روی دریاچه‌ای در شمال ایتالیا است.

این نمایشگاه بزرگ روباز، از بیش از دویست هزار قطعه مکعب پلاستیکی به هم‌پیوسته تشکیل شده و همه مکعب‌ها در یک نایلون زردرنگ پیچیده شده‌اند که با نور، تغییر رنگ می‌دهند. مسیر پیاده‌روی با حرکت امواج، به نوسان می‌افتد و موج‌دار می‌شود.

این نمایشگاه به مدت دو هفته به روی عموم بود و ده‌ها هزار نفر از آن بازدید کردند. کریستو هشدار داده بود که راه رفتن در این مسیر همانند قدم زدن بر سطح آب یا بر پشت یک نهنگ است. تعداد زیادی از بازدید کنندگان مشتاق با شناختی که از این هنرمند داشتند شب قبل از بازگشایی در کنار این مسیر چادر زدند تا بتوانند جزء اولین کسانی باشند که بر روی این پیاده رو قدم بزنند.

این مسیر پیاده‌روی، بدون زرده بود و به همین دلیل، صد و پنجاه داوطلب و مامور نجات غریق در مسیر حضورداشتند. بسیاری از بازدیدکنندگان برای دریافت بهتر این پروژه ی فیزیکی، بدون کفش بر روی آن راه رفتند و نظرشان این بود که حرکت بر این مسیر مانند رفتن روی یک قایق است.
کار بعدی وی بسته بندی یکی از مشهورترین یادبودهای جنگ جهان در ماه مه سال ۲۰۲۰ در پاریس بود که در بیانیه‌ای اعلام شده است که این پروژه پس از مرگ آنها نیز انجام خواهد شد. کریستو و ژان کلود همواره بر این مهم تأکید داشتند که آثار هنری آنها پس از مرگشان نیز ادامه دارد. کریستو، در اعتراض به سیاست‌های دونالد ترامپ از برگزاری نمایشگاه خود در آمریکا یک خودداری کرد. او حدود ۲۰ سال برای گرفتن مجوز پوشاندن یک رودخانه در ایالت کلورادوی آمریکا با الیاف مصنوعی تلاش کرد، اما گفته بود که حاضر نیست در کشوری یک اثر هنری اجرا کند که رئیس جمهورش دونالد ترامپ است.

{فرهنگ و هنر }

خواستیم بگوییم چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است

بخش فرهنگی– علی غفاری درباره انتقاداتی که نسبت به دسته‌بندی جامعه به خودی و غیرخودی در سریال بچه مهندس می‌گوید: از روز اول به دنبال این بودیم که به جوان‌ها این انگیزه را بدهیم که بایستند و کشور خودشان را آباد کنند. نه اینکه اگر بروند خیانت کردند، اصلا اینطور نیست. در واقع خواستیم بگوییم چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است. اصلا نه بحث جناح داریم و نه دسته‌بندی. به گزارش خبرنگار ایلنا، تنها چند قسمت از فصل سوم مجموعه «بچه مهندس» باقی مانده است. این مجموعه که با استقبال خوبی از سوی مخاطبان همراه شده، پس از مدت‌ها نوانسته باکس سریال شبکه دو

را به دوران اوج خود برگرداند. مجموعه «بچه مهندس» به روایت زندگی جواد جوادی از کودکی پرداخته و اکنون به دورانی از زندگی او می‌پردازد که به یک چهره علمی تبدیل شده است. به بهانه بخش این مجموعه با علی غفاری که کارگردانی سه فصل این سریال را برعهده داشته، به گفتگو پرداختیم.

♦ **باتوجه به اینکه تجربه تلویزیون در ساخت سریال‌های دنباله‌دار زیاد نیست، تا چه اندازه در ساخت سه فصل از مجموعه «بچه مهندس» با چالش مواجه بودید؟**
چقدر تیغ میزبی به این سریال اثر کرد؟
ما از ابتدا تصمیم داشتیم داستانی را تعریف کنیم که از کودکی یک شخصیت شروع و تا جوانی او ادامه پیدا کند. ولی اصلا قرار ما این نبود که این مجموعه در سه فصل ساخته شود. «بچه مهندس» در ابتدا قرار بود یک سریال ۴۵ قسمتی باشد. به این ترتیب ما کار را از بخش کودکی شروع کردیم و وقتی کار ادامه نمایش شده، دیدیم که خودش می‌تواند یک فصل باشد. البته آن زمان آقای سجاد ابوالحسنی کار را نوشته بودند و بخش کودکی متعلق به ایشان بود ولی همان زمان هم تا پایان فصل نوجوانی طراحی شده بود. بنابراین در واقع شرایط به گونه‌ای شد که ما کار را تبدیل به سه فصل کودکی، نوجوانی و جوانی کردیم و باتوجه به کشش داستان فکر می‌کنم اتفاق بدی نبود.

اکنون که نتیجه کار را می‌بینم فکر می‌کنم مردم هم دوست دارند که یک کار را به صورت فصل‌فصل و اپیزودیک دنبال کنند. یعنی تجربه به من می‌گوید که وقتی مردم شخصیت‌ها را می‌شناسند و از عقبه آنها اطلاع دارند، خیلی سریع‌تر با آن ارتباط برقرار می‌کنند. چون می‌دانند که سبقه این آدم‌ها در داستان به چه صورت است. منتها این در صورتی می‌تواند درست اتفاق بیفتد که شما قصه، موضوع و ایده‌های خوبی داشته باشید که قابلیت نمایشی شدن را داشته باشد. اگر قصه شما از چنین قابلیت‌هایی برخوردار نباشد قطعا سریال شکست می‌خورد. شکر خدا تا اینجا ی کار مردم از کار رضایت دارند و قصه را دنبال می‌کنند.

♦ **روند داستان از ابتدا به همین صورت بود و قرار بود که جواد جوادی به سمت چهره امنیتی شدن برود؟**

اولین بار از این داستان یک طرح ۱۰۰ صفحه‌ای خواندم که آقای ابوالحسنی نوشته بود. چهارچوب داستان در آن طرح به همین صورت بود. به نوعی قرار بود که جواد جوادی به یک شخصیت برجسته علمی تبدیل شود و اینقدر زمین بخورد و بلند شود که به یک بلوغی برسد و بتواند روی پای خودش بایستد.

جوادی در طول این داستان خیلی مصیبت کشید و سختی‌های زیادی را پشت سر گذاشت. حتی خیلی از انتقادها هم این بود که چرا این پسر اینقدر باید عذاب بکشد. همه این موارد در طرح اولیه بود. یعنی او اینقدر باید شکست می‌خورد تا بالاخره پیروز شود. این یک پیام کلی بود اما اینکه دقیقا به سراغ کوادکوپتر برود، در آن طرح وجود نداشت. در واقع در آن طرح اصلا موضوعی وجود نداشت که حالا جواد می‌خواهد چه کاره شود. در همین حد بود که جواد به دانشگاه می‌رود و قرار است آدم موفقی شود. به نوعی تمام پتانسیل داستان در آن زمان به سرنوشته مومو و رفتن و نرفتن گره خورده بود که البته این را هم در داستان اصلی حفظ کردیم.

♦ **داستان فصل سوم «بچه مهندس» نسبت به دو فصل گذشته خود دچار تغییراتی شده و به زعم بسیاری به سمت امنیتی شدن رفته است. آیا رفتن به این سمت، بنا به سفارشات ی از بیرون شکل گرفته است؟**

کارگردان سریال بچه‌مهندس مطرح کرد

خواستیم بگوییم چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است

واقعیت را بخواهید سازمان هیچ سفارشی در مورد داستان این کار نداشته است. سازمان با همان خط اصلی کار موافق بود که در واقع جواد جوادی تبدیل به یک شخصیت برجسته علمی شود. منتها ما نیاز به یک چالش‌هایی در داستان داشتیم. همچنین باید موقعیت‌هایی را در قصه طراحی می‌کردیم که بالاخره کاری که انجام می‌دهد در بستر برتعلق داستان رخ بدهد. خیلی هم بخش امنیتی سریال در قصه پررنگ نیست. ما یک اساترت امنیتی داشتیم که جواد برای امتحان کوادکوپتر خودش به منطقه‌ای می‌رود که ظاهرا پرواز ممنوع است. بعد از این ما دیگر کاری به



موضوعات امنیتی نداشتیم ولی در طول داستان یک تهدیدی را حفظ کردیم و حس می‌کنیم که با این تهدید در فینال کار داریم.

بالاخره یک کاشت‌هایی در جاهایی از داستان می‌گذاریم که یک جا برداشت کنیم. شما اگر درصد بگذارید، بخش امنیتی این داستان واقعا در کلیت کار کمتر از ۱۰ درصد است. بیشتر داستان حول روابط دانشجویا و مشکلاتشان و تلاش‌ها و شکست‌هایشان می‌گذرد.

♦ **با این تفاسیر فکر می‌کنید چرا تا این اندازه اطلاق امنیتی به سریال «بچه مهندس» شده است؟**

به این خاطر که شاید انتظار این قصه را نداشتند. چون لحن بچه مهندس در فاز ۱ و ۲ لحن کاملا مشخصی بود. شاید یک دفعه تماشاگر غافلگیر شد چراکه ما به فضای دیگری رفتیم که کاملا متفاوت از فضا‌های قبلی است که بر مبنای اقتضای داستان انجام گرفت.

وقتی داستان شما درباره کودکی است، نمی‌توانید آن را با آدمی که در سن ۲۵ سالگی است مقایسه کنید. اگر دقت کنید در فاز یک بچه مهندس که فاز کودکی بود، شاید ۹۰ درصد داستان در خود لوکیشن پرورشگاه اتفاق می‌افتاد. یعنی دنیای کودکان‌های که درون این پرورشگاه در حال تصویر شدن بود. در بخش نوجوانی مقداری از این فضا خارج شد و با اشتراکی رفت و مشکلاتی برایش به وجود آمد و مقداری وارد جامعه شد ولی بخش سوم قطعا این ماجرا جدی‌تر می‌شود که اصلا جنس آن فرق می‌کند. شاید تصور این بود که ما باید با همان لحن جلو می‌رفتیم که البته در بخش‌های زیادی ما آن لحن را حفظ کردیم ولی طبیعتا کار جدی‌تر شده و شرایط آن فرق می‌کند. همه این موارد جنس کار را تغییر می‌دهد.

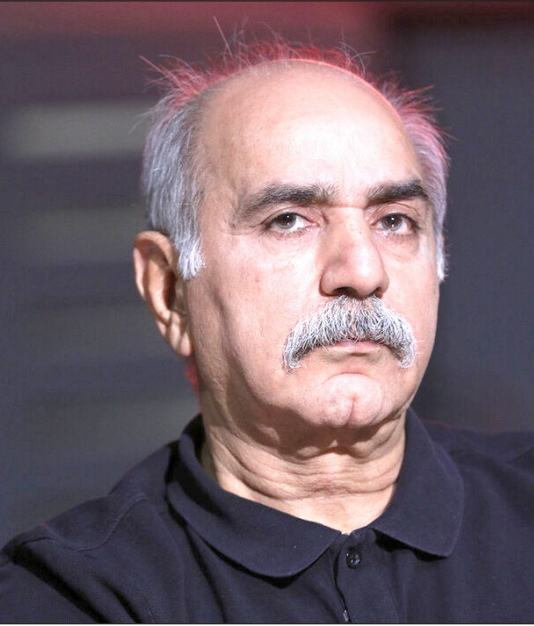
♦ **داستان فصل سوم این مجموعه تا حد زیادی به دسته‌بندی خودی و غیرخودی می‌پردازد؛ به نوعی در داستان ماندن در ایران ارزش بزرگی معرفی شده و رفتن حتی برای تحصیل خیانت به شمار می‌آید. آیا این دسته‌بندی ایدئولوژیک از بیرون به سریال تزریق شده است؟**
اتفاقا اصلا چنین دسته‌بندی در کار نشده و اصلا به این صورت نیست.

♦ **ولی این موضوع در شخصیت‌های سریال نمود دارد. به عنوان مثال شخصیت دکتر توفیقی به عنوان شخصیت مثبت داستان چندین بار جواد را به خاطر اینکه قصد رفتن از ایران را دارد، مورد حمله قرار می‌دهد. همچنین درباره پدر شخصیت الهام که هم‌دانشگاهی جواد بوده و گفته می‌شود در خارج از ایران بوده، صحبت‌های مثبتی نشده و از او شخصیت**

گزارش نشست خبری سریال «هم‌گناه»

پرستویی: من تا حالا با پول کثیف کار نکرده‌ام کیایی: شخصیت ترنس ما، کلیشه‌ای نیست

«هم‌گناه» هستیم ولی سروش می‌گذاریم ولی اینجا احساس کردم باید این کار با این دغدغه‌های مهم اجتماعی کار کنیم. برای من تجربه درخشانی بود و از دوستان کیایی ممنونم که این فرصت را به من دادند.»



مصطفی کیایی در ادامه درباره این که ماجرای کرونا چه تاثیری روی دیده شدن «هم‌گناه» داشت، گفت: «طبیعی است که قرنطینه باعث شد جایگاه پلتفرم‌ها تثبیت شود به خصوص در زمانی که تلویزیون خیلی بد دارد عمل می‌کند و مخاطب را نمی‌تواند راضی کند. همیشه دغدغه ما بی‌رقیب بودن صداوسیما بود ولی با این رقابتی که به وجود آمده باعث شد حداقل در رضایت مخاطب وضعیت پلتفرم‌ها بهتر شود. مساله بعدی اینکه همیشه گفتیم یک نکته‌ای وجود دارد که مخاطب درگیر می‌شود و این اینکه حرف اول را در آخر قصه می‌زند. در فیلم‌های سینمایی هم سعی می‌کنم قصه بگویم. قصه پایه اول است بعد حضور بازیگران در نقش‌های درست و بعد کارگردانی و …»

در ادامه این نشست، بحث حضور و ورود بازیگران جوان به عرصه سینما و تلویزیون پیش آمد. حبیب رضایی در این‌باره گفت: «من بخش زیادی از عمر حرفه‌ایم را در انتخاب بازیگر صرف کردم. جوانی سن و معیارهایی از این جنس هیچ امتیازی نیست چون بازیگری یک هنر خلاقه است. منظور از بازیگر فقط کسی نیست که جلوی دوربین قرار میگیرد و دیالوگ می‌گوید، بازیگر به معنای واقعی خیلی کم داریم. هزار تا ده هزارنفر باید باشند که از میان آنها بازیگرهایی مثل آقای پرستویی یا خانم تسلیمی پیدا شوند. اینطور نیست که صرف جوان بودن امتیازی باشد برای اعتماد کارگردان و انتخاب شدن برای یک نقش».
این بازیگر افزود: «انتقدر بازیگر خوب کم داریم که هر سال این مملکت جری بازیگر خوب زده شود، حتما دیده می‌شود و ربطی به سن و سال و محل تولد و… ندارد.»
مصطفی کیایی در پاسخ به سوال یک خبرنگار توضیح داد: «از کلمات استفاده درست کنیم. ما عشق مثلثی در سریال نداریم و اینها کلماتی است که همینطور فشار را رسانه روی ما را زیاد می‌کند.»

سه شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۹

منفی تصویر می‌شود. علاوه بر این حتی پدر مومو که در ایران فرد موفقی بود، پس از اینکه در خارج شرایط سختی را پشت سرگذاشته خیلی نادم به ایران برگشته است. در مقابل شخصیت دکتر توفیقی که در ایران مانده و اکنون به کار امنیتی مشغول است، شخصیت مثبتی تصویر می‌شود. آیا این تصویرسازی از شخصیت‌های داستان، دو قطبی موجود در جامعه را تشدید نمی‌کند؟

هنوز چند قسمت از سریال باقی مانده و از نظرم نتیجه‌گیری به این صورت قدری عجولانه است. همانطور که در ابتدای بخش چند قسمت اول سریال بخش‌هایی از مردم خراسان جنوبی دچار گلگی شدند که مثلا چرا شخصیت قاسم سریال که یک فرد بیرجندی است تا این اندازه عصبی و پرخاشاگر است. اما رفته رفته که جلو رفتیم، خودشان شخصیت را دوست داشتند و چقدر با ما درباره آن گفتگو داشتند.

همین چند روز قبل با رادیو خراسان جنوبی صحبت می‌کردم که در مجموع کار را دوست داشتند. در واقع به همین دلیل کمی دیر گفتگوها را انجام می‌دهم. به این خاطر که قصه بسته شود و بتوانیم درباره آن حرف بزنیم مثلا بعد از قسمت اول سریال دیدم که یک منتقد عزیزی شروع به نوشتن نقد کرد. خوب و بد این نقد را کاری ندارم ولی مگر می‌شود که شما بعد از بخش یک یا دو قسمت از یک سریال ۲۵ قسمتی بتوانید درباره آن قضاوت کنید.

مناسفانه ما این مشکل را در همه زمینه‌ها داریم.

♦ **با این تفاسیر آیا شما قبول ندارید که در این سریال هر کس خارج بوده شخصیت منفی و ناموفقی تصویر می‌شود و هر کس که در ایران مانده آدم خوب**

و موفق؟

شخصا اینطور فکر نمی‌کنم. اینطور نیست که ما بگوییم شخصیت‌های که به خارج رفتند منفی و سیاه هستند. به عنوان مثال مادر و پدر شخصیت مومو در همین سری هم آدم بد و سیاهی نیستند.

شخصیت‌مادر باتوجه به سختی‌هایی که در خارج تحمل کرده از دنیا رفته و شخصیت پدر در خارج به هیچ موفقیتی نرسیده و حتی از او کلاهبرداری شده است.

یعنی هرکس به خارج رفته، آدم موفقی شده است؟ ما شاید یک از هزار را گرفته باشیم. به طور کلی باید بگویم که ما در قصه اصلا این بحث را نداریم که آدم‌هایی که در خارج‌اند چه هستند. ما در حال گفتن این حرف هستیم که در این کشور اگر فکر می‌کنید که می‌توانید بمانید و کمک کنید، به نظر من بهتر است که پای خاک خود بایستید. حرف کلی ما این بوده و از روز اول به دنبال این بودیم که به جوان‌ها این انگیزه را بدهیم که بایستند و کشور خودشان را آباد کنند. نه اینکه اگر بروند خیانت کردند، اصلا اینطور نیست. در واقع چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است. ما در قصه خود در حال گفتن این حرف هستیم که اگر شما یک توانایی و تخصصی دارید، به خدا اگر پای این کشور بگذارید، ایران آباد می‌شود. اگر بتوانیم این انگیزه را بدهیم موفق شدیم. اصلا نه بحث جناح داریم و نه دسته‌بندی. هیچکدام این موارد هدف ما نبوده است. من دنبال این هستم که وقتی هر ایرانی این کار را دید، در پایان آخرین قسمت احساسی که به او دست می‌دهد، شکوه و جلال ایران باشد. امیدوارم این اتفاق بیفتد.

♦ **آیا بعد از بروز ناراضی‌تی‌هایی که نسبت به تصویر کردن یک شخصیت بیرجندی در سریال به وجود آمده بود؛ حساسیت سازمان برای بخش قسمت‌های مختلف سریال افزایش پیدا کرد؟ این اتفاق تا چه اندازه سبب افزایش حجم میزبی‌ها شد؟**

صافدانه بگویم بله البته شریه‌ای به داستان وارد نشد و ما دچار میزبی نشدیم. در واقع بعد از آن ناراضی‌ها ما هرروز این حساسیت‌ها را می‌دیدیم و نگران ادامه کار هم شده بودیم ولی رفته رفته خود مسئولین سازمان متوجه شدند که هیچ قصد و غرضی در کار نیست.

برای جلب اعتماد سازمان، قسمت‌های آینده را زودتر راف‌کات کردیم که دوستان دیدند و خیالشان راحت شد. اینکه من می‌گویم معنی‌اش این نیست که کار ر قیمه‌قیمه کردند یا چیز دیگری. واقعا تمام سکانس‌های قاسم بخش شد. منتها این بحث‌ها وجود داشت.

او در ادامه درباره سوال داشتن همه کاراکترها این سریال گفت: «این یک مزیت است. یک جایی همه قصه‌ها گره می‌خورند و آنجا اوج سریال است.»

محسن کیایی در پاسخ به سوال دیگری درباره اینکه شخصیت‌های سریال اتوکشیده هستند، گفت: «این خانواده، نماد جامعه نیست ولی تلاش کردیم کاراکترهای این خانواده مابه‌ازای بیرونی داشته باشد.»

ساقی حاجی‌پور، بازیگر نقش هدیه درباره انتخابش برای این سریال گفت: «من سه، چهار هفته تست‌های مختلف برای این سریال دادم و خوشحالم که انتخاب شدم. قبلمش تجربه تصویر نداشتم و تئاتر کار کرده بودم. از بین ۸۰نفر انتخاب شدم.»
مصطفی کیایی درباره دعوت از مخاطبان «هم‌گناه» برای بازی کردن بخش‌هایی از یک نقش گفت: «خیلی ویدئوهای زیادی برای ما فرستادند برای همین تصمیم گرفتیم به بهترین ویدئو نقش زن و مرد در کار بعدی نقش بدهیم.»

شاهرخ فروزتیان درباره تجربه بازی در این سریال با بیان اینکه از یاد نرفتنی است، گفت: «بازتاب سریال را وقتی می‌بینیم متوجه می‌شویم که خروجی رضایت‌بخشی دارد. حتی از خارج از کشور هم به ما پیام می‌دهند که سریال را دوست داشتیم.»
علی کوچکی یکی از نویسنده‌های سریال توضیح داد: «طرح این سریال را خانم نادری، در طول ده سال نوشتند و بیشتر یک رمان است اما تا یک طرح چند صفحه‌ای و ما این را خلاصه کردیم برای ۲۴ قسمت.»

سوگل خلیق بازیگر نقش سیما گفت: «سریال «هم‌گناه» یکی از بهترین اتفاق‌هایی بود که می‌توانست برای من بیفتد. من، پدram، ساقی، روشنک و… همه از تئاتر شروع کردیم. من اگر پدر یا مادرم در این فضا بودند حتما استفاده می‌کردم برای ورود به این فضا اما بعدش جز اتفاقی می‌افتاد. شانس هم هست ولی مهم این است که بعد این اتفاق ادامه پیدا می‌کند یا نه.»

روشنک گرامی هم در این باره گفت: «خیانت را کسانی می‌کنند که باعث می‌شوند افرادی که استعداد ندارند وارد این فضا شوند. همیشه سوال می‌شود که چطور می‌شود وارد این فضا شد. به خیلی موارد مختلف بستگی دارد اول باید استعدادیابی شود وقتی وارد می‌شوی و بعد متوقف می‌شوی باعث می‌شود یک جمعیت سرخروده به وجود بیاید.»

افسانه چهره آزاد، درباره بازی در نقش نسرين گفت: «خیلی ذوق کردم وقتی این کار به من پیشنهاد شد. به کسانی که علاقمند به بازیگری هستند می‌گویم هیچ چیزی غیرممکن نیست و باید روایات را دنبال کنی و به چیزهایی که دوست داری اهمیت بدهی تا اتفاقات خوب رخ بدهد.»

پرویز پرستویی درباره اینکه پرسش آیا ممکن است بازیگر شود گفت: «یک روزی یک جایی بودیم که دو عکس از من و عکس از کار گرفته شد آقای کیایی آن‌عکس را دیدند و پیشنهاد کردند که بهروز نقش جوانی فریزر را بازی کند. بهروز هم فقط به این دلیل که قرار بود نقش من را بازی کند، انتخاب شد نه اینکه چون آقا‌زاده است و پسر من است انتخاب شد و حتی جز همان یک جلسه که با هم بازی داشتیم، در صحنه‌های بازی بهروز، من حضور نداشتم.»
علی کوچکی درباره کم‌شدن قسمت‌های سریال گفت: «یک بخشی فشرده شدن داستان بود و یک بخش‌هایی هم اگر ادامه داشته باشد استفاده می‌کنیم. ولی قصه کامل می‌شود و به پایان می‌رسد.»

پرویز پرستویی در پاسخ به سوالی درباره اینکه برای منبع دستمزدی که می‌گیرند چقدر دغدغه دارد گفت: «من تا حالا با پول کثیف کار نکرده‌ام. این کار برای ما قدساتی دارد که همیشه مهم است که تهیه‌کننده کار چه کسی است حتی پیش از این بحث‌ها هم مهم بود. در این دو کار اخیر هم می‌دانم پول آقای کیایی شریف بوده است. کسانی امروز کار می‌کنند و کارت تهیه‌کنندگی دارند که فقط اسم تهیه کننده‌ی را یدک می‌کشند. که امروز هم هیچ چیز پنهان نمی‌ماند مردم هم آنها را می‌شناسند. برای من خیلی مهم است که منتشا پول چه کسی است و هیچ وقت به آن سمت و سو نخواهم رفت.»
مصطفی کیایی هم در این‌باره گفت: «این‌اولین سریالی است که کاملا سرمایه‌اش مشخص است و دو پلتفرم سرمایه آن را تأمین کردند.»